



نگاه قضایی

دلیل صدور حکم قصاص

همه قرائن و امارات موجود در پرونده به انضمام اقرار بر متهم حکایت از این دارد که مقتول بر اثر تیراندازی صورت گرفته با سلاح سازمانی توسط آقای برومند نجفی به قتل رسیده است. این فرد پس از دریافت خبر در خصوص شکار غیرمجاز توسط سرنشینان خودرویی به محل اعزام شده و به محض مشاهده خودروی خاطی به سمت خودرو تیراندازی می‌کند که به فوت یکی از شهروندان منجر می‌شود.

دیگر سرنشین خودرو در تحقیقات عنوان کرد برای جمع‌آوری گیاهان دارویی به این منطقه رفته بودند در مسیر برگشت سه نفر بالباس شخصی و با سلاح بدون دردست داشتن هیچ‌گونه علائم هشداردهنده جلوی آنها آمده و فکر کرده‌اند راهنز هستند و متوقف نشده‌اند. نکته مهم این که محل برخورد در محلی مسکونی و خارج از هرگونه منطقه حفاظت‌شده و روی جاده اصلی و ترانزیتی کرمانشاه-تهران بوده است.

هیچ‌گونه اقدام غیرمجاز از جمله سلاح یا ابزار شکار مجاز یا غیرمجاز نیز از سرنشینان خودرو کشف نشده و مأموران هیچ‌گونه دلیلی حتی برای توقیف خودرو پراپد یا بازرسی آن نداشته‌اند. حتی می‌توانستند در صورت توقف نکردن از طریق مقامات انتظامی و گشت بازرسی در محل دیگری را متوقف کنند و موضوع تیراندازی به سمت خودرو فاقد هرگونه توجیه قانونی است چرا که نه تنها جان متهم بلکه جان همراهان وی نیز در معرض خطر حتمی قرار نگرفته است. دادگاه براساس تقاضای اولیای دم و باتوجه به مستندات موجود رای به قصاص صادر کرده که این رای قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است. براساس تأکیدات رئیس قوه قضاییه مبنی بر ایجاد سازش، اقدامات این دادگستری در این خصوص و به منظور جلب رضایت اولیای دم در حال انجام است.

پرویز توسلی‌زاده

رئیس دادگستری استان کرمانشاه

نگاه حقوقی

تیراندازی نجفی عمدی نبوده است

در پرونده قتل اصولاً هیأت کارشناسی نظریه ارائه می‌دهد نه یک کارشناس اما در پرونده برومند نجفی با این روند مواجه نیستیم و باید به جز کارشناس اسلحه‌شناسی کارشناسان دیگری هم درباره منطقه حفاظت‌شده نظر بدهند. در مورد این پرونده ما با دو نکته مواجه هستیم. اول این که گفته شده محل وقوع حادثه در محیط مسکونی و خارج از حفاظت محیط زیست بوده است، اما در استعلامی که از محیط زیست بیستون گرفتیم، مشخص است محل درگیری در منطقه حفاظت‌شده بیستون بوده است.

نکته دوم این که گفته شده سرنشینان پراپد بدون سلاح بودند و هیچ حمله‌ای نیز صورت نگرفته است. براساس بند ۳ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح که مشمول محیط بانان نیز می‌شود، در صورتی که جان عده‌ای در خطر باشد، محیط بان می‌تواند از سلاحش استفاده کند. طبق شهادت شهود، بازسازی صحنه جرم و اوراق پرونده، خودروی حامل مظنونان به شکار یا فرمانده برومند نجفی برخورد کرد. آقای نجفی، ابتدا فرمان ایست داد، سپس تیراندازی هوایی کرد. پس از آن سعی کرد با هدف گرفتن لاستیک، خودروی آنان را متوقف کند اما گلوله به طور سهوی به یکی از سرنشینان برخورد و او را زخمی کرد. در واقع برومند نجفی به دلیل حادثه‌ای که برای فرمانده اش رخ داده بود، اقدام به تیراندازی کرد. پس از اصابت گلوله، تمام سرنشینان به جز راننده زخمی، تمام ادوات داخل پراپد را برداشته و فرار کردند، اما محیط بانان به جای تعقیب آنان ترجیح دادند به فرد تیرخورده رسیدگی کنند. نکته همین جاست که چون آنها همه چیز را برداشتند و بردند، نمی‌توانیم به طور دقیق بگوییم آنها سلاح در اختیار داشتند یا خیر.

ما ۲۰ روز پس از تاریخ ابلاغ حکم، فرصت فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور داریم. در حال حاضر جلسات متعددی برای آماده‌سازی متن لایحه و گرفتن ایرادات پرونده برگزار کرده‌ایم، اما لایحه هنوز در دست اقدام بوده و تقدیم نشده است. من با اطمینان می‌گویم آقای نجفی به هیچ عنوان قصد تیراندازی و قتل نداشته و تنها برای متوقف کردن خودرو اقدام به شلیک کرده که این اقدام هم مطابق با قانون به کارگیری سلاح بوده است.

نوشا میرجعفری

وکیل برومند نجفی

برومند نجفی حکم؛ قصاص

در جدیدترین پرونده محیط‌بانی، ۱۴ مرداد ۹۹ ساعت حوالی ۳۰ و ۲۱ دقیقه شب بود که به اداره محیط زیست بیستون خبر رسید خودرویی مشکوک به شکار از کوه در حال پایین آمدن است. مسئولان اداره پس از هماهنگی تلفنی با قاضی منطقه بیستون و همچنین حراست به منطقه اعزام شدند. برومند نجفی، یکی از محیط بانان همراه مدیر حراست منطقه، فرمانده اش و دو نفر دیگر از محیط بانان پس از رسیدن به منطقه، خودروی پراپدی را مشاهده کردند که چراغ خاموش در حال حرکت بود و پس از رسیدن به جاده چراغ‌ها را روشن کرد. فرمانده برومند نجفی به سرنشینان پراپد ایست داد اما پراپد با فرمانده نجفی برخورد و او را به زمین پرتاب کرد. نجفی با این تصور که راننده پراپد فرمانده اش را زیر کرده برای متوقف کردن پراپد شروع به تیراندازی به سمت لاستیک آن کرد که در این بین یکی از تیرها به سرنشینی که سمت عقب شاگرد نشسته بود، اصابت کرد و پس از مدتی جانش را از دست داد. جلسات متعددی در دادگاه برگزار شد و در نهایت قاضی حکم به قصاص برومند نجفی داد.

نگاه کارشناس

شکارچیان غیرمجاز طبق قانون محارب هستند

به نظر می‌رسد در کشور ما اصل سیاست‌گذاری و این که کنترل محیط زیست در اختیار یگان جداگانه‌ای به نام محیط‌بانی که سیاست‌گذار آن سازمان حفاظت محیط زیست و... است، اشتباه باشد. در واقع، جرایم محیط‌زیستی مانند سایر جرایم مشهود باید توسط پلیس کشف و تعقیب شود. پس اولین اشتباه این است که یگان جداگانه برای کشف این جرایم ایجاد کرده‌ایم، در حالی که نیروی انتظامی که بر قانون به کارگیری سلاح و استفاده از آن مسلط است، باید عهده‌دار این موضوع شود. پس این که محیط بان و شکارچی غیرمجاز را در یک عرصه نظامی مقابل یکدیگر قرار دادیم از اساس اشتباه است و دستگاه حاکمیتی باید به نحوی اقتدار خود را در عرصه منابع طبیعی تثبیت می‌کرد که شکارچی جرات توسل به سلاح را نداشته باشد.

بحث دوم این که اگر قرار است با تهدید سلاح شکارچیان غیرمجاز و متخلفان محیط زیست

دکتر آرش

حقیقت‌فرد

جرم‌شناس

بترسند، پس آموزش حمل و نحوه به کارگیری سلاح باید به محیط بانان ارائه شود. موضوع بعدی، حجم بالا و ۸۰ درصدی سلاحی است که در اختیار شکارچیان غیرمجاز قرار دارد و همین مساله باعث شده از به کارگیری سلاح توسط محیط بانان وحشتی نداشته باشند. شکارچیان غیرمجاز انواع بسیار مختلفی از اسلحه را در اختیار دارند و حتی ممکن است برخی از آن جنگی و کشنده باشد. اگر این همه سلاح در اختیار شکارچیان غیرمجاز نباشد، نیازی به شلیک مستقیم محیط بان وجود ندارد و در نهایت اقدام به شلیک تیرهوایی می‌کند. معتقدم اگر از ابتدا سلاح‌های غیرمجاز جمع‌آوری و آموزش استفاده از سلاح نیز به محیط بانان داده می‌شد، موارد کمی از برخوردها نیاز به شلیک مستقیم محیط بانان و بروز چنین مشکلاتی داشت. بحث دیگر این که چرا شکارچی غیرمجازی که در محیط زیست به روی محیط بان اسلحه می‌کشد، هرگز به عنوان محارب شناخته نمی‌شود؟ مگر طبق تعریف، هرکس به قصد ایجاد رعب و وحشت و مقابله با قوانین نظام جمهوری اسلامی، دست به سلاح ببرد، محارب نیست؟ شکارچی غیرمجازی که با استفاده از یک سلاح بلژیکی که به راحتی قادر به کشتن یک انسان است، به روی محیط بان شلیک می‌کند، این فرد مصداق بارز محارب است.

حرف اول

دفاع از محیط زیست با تفنگ پلاستیکی!

ادامه از صفحه یک

به همین دلیل باید تأکید کرد آموزش محیط بانان نباید به نحوه به کارگیری سلاح محدود شود؛ چرا که اگر آنها مهارت‌های لازم را برای مدیریت حوادث فراگرفته باشند می‌توانند آمار درگیری‌های مرگبار را کاهش دهند. افزون بر این کمبود تجهیزات نیز سبب شده محیط بانان نتوانند به درستی در مناطق تحت پوشش خود گشت‌زنی کنند. برای نمونه یگان حفاظت محیط زیست این روزها دست‌کم به هزار خودروی مناسب نیاز دارد؛ چرا که فرسودگی خودروهای این یگان امکان حضور محیط بانان در مناطق حفاظت‌شده را کاهش داده است. استفاد نکردن از تجهیزات نوین مساله دیگری است که احتمال رویارویی محیط بانان و شکارچیان غیرمجاز را افزایش می‌دهد؛ چرا که نظارت بر مناطق حفاظت‌شده و استفاده از پهپادهای مناسب می‌تواند حضور فیزیکی محیط بانان در مناطق حفاظت‌شده را کاهش دهد و شرایط بهتری را برای محافظت از محیط زیست فراهم کند. در نهایت باید گفت مدیران سازمان حفاظت محیط زیست باید برای افزایش وجهه محیط بانان در کشور سنگ تمام بگذارند زیرا تا زمانی که محیط بانان با مسائلی مانند مشکلات مالی و نبود تجهیزات مناسب دست و پنجه نرم می‌کنند، این پیام به متخلفان مخابره می‌شود که نهاد‌های متولی نیز آن‌طور که باید برای محیط بانان ارزش قائل نمی‌شوند و در این شرایط بی‌توجهی به حضور و توصیه‌های محیط بانان کار سختی نیست.

